



اعظم دانش اعتمادی

به شکل قصه و حدیث (نباء)، انسان یعنی اصلی‌ترین موضوع خود را، به تدبیر و نفکر و می‌دارد و عطش او را برای جستجوی حقیقت افزوختن می‌سازد. خلاصه‌ای از تجربیات دیگران را در اختیار او قرار می‌دهد تا پرده‌های غفلت و سستی را از دیدگان خود کنار زند و قدم‌های خود را آگاهانه به سمت یافتن سرنوشتی بهتر، آنچنان که مورد رضای خداست، بردارد. مهم این است که قصه‌های قرآن و پیام نهفته در آن، با فطرت و هم‌چنین عقل هماهنگی و سنتیت دارند؛ چرا که میان موضوع این داستان‌ها و انسان رابطه‌ی مستقیم وجود دارد که این رابطه را خالق انسان و صاحب قرآن ایجاد کرده و به خوبی به این امر واقع است که این دو می‌توانند بر یکدیگر اثرگذار باشند.<sup>۱</sup>

#### اشاره

قرآن در آیات متعدد خود از انسان و زندگی او در مسیر زمان که موضوع اصلی تاریخ (انسان + زمان) است، سخن گفته و جالب این که به این موضوع فراوان پرداخته است.

از زیبایی‌ها و شاهکارهای قرآن همین بس که طرح و قالبی بسیار هنرمندانه، جذاب، دلنشیں و تأثیرگذار بر عواطف و وجودان‌ها، یعنی «قصه» و «داستان» را انتخاب می‌کند تا به بهترین شیوه و ابزار به هدف‌های تربیتی و اصلاحی خود برسد. قرآن با بازگویی و قایع تاریخی

● «قل سيروا في الأرض فانظروا كيف كان عاقب المجرمين» [نحل/٦٩].

● «قل سيروا في الأرض فانظروا كيف بدأ الخلق» [عنكبوت/٢٠].

با کمی تأمل در این آیات به نکات اساسی زیر می‌توان برد:

۱. در این قصص و مطالعه‌ی تاریخ، پند و اندرز فراوانی برای اهل علم و صاحبان خرد وجود دارد.

۲. این قصه‌ها هرگز خیالی و دروغ نیستند و از مسیر حقیقت و راستی دور نشده‌اند.

۳. بیان این داستان‌ها برای هدایت است و همچنین مایه‌ی رحمت و بشارت اهل ایمان و یقین است.

۴. هر سرنوشتی که انسان پیدا می‌کند، نتیجه‌ی آن است که او کسب کرده و انجام داده است.

۵. با توجه به کلمات سیروا، انظروا، کیف و عاقب و ارتباطی که بین آن‌ها وجود دارد، قرآن با عرضه‌ی دید تأملی و نیز نقادانه، انسان را به تفکر درباره‌ی علل حوادث و رویدادها، و عاقبت و نهایت تاریخ و تمدن‌ها تشویق می‌کند. هشدار می‌دهد که بنگرید چگونه سقوط کردن و نابود شدن. در پی این نگریستن، قوانین و سننی که تمدن‌ها را به وجود می‌آورند، آن‌ها را به سوی رشد و تعالی پیش می‌برند و سپس به نیستی و نابودی می‌کشانند، شناخته خواهند شد.

با این توضیح مشخص می‌شود که بر تاریخ و جوامع بشری قوانینی حکم فرماست و با مطالعه‌ی تاریخ باید به شناسایی آن‌ها پرداخت. قرآن بسیاری از این سنن الهی حاکم بر جوامع بشری را در لابه‌لای داستان‌های تاریخی، سرگذشت تمدن‌های پیشین و قصص انبیا بیان می‌کند.

### حاکمیت سنن و قوانین الهی بر تاریخ جوامع بشری

این حقیقت که انسان به سوی هدفی معین و مشخص گام برمی‌دارد و صحنه‌ی تاریخ به وسیله‌ی قوانین و سنن مربوط به خود آباد و سرسیز است، به گونه‌ای روش و کاملاً واضح در قرآن ملاحظه می‌شود. قرآن به سبک و صورت‌های متفاوت در خلال بسیاری از آیات این حقیقت را بیان می‌دارد و در آیاتی به طور کلی و در برخی با ارائه مصاديق و نمونه‌هایی، به این امر پرداخته است. نه تنها با تأکید، بر اصل حاکمیت سنن الهی در هستی و جوامع انسانی صحة می‌گذارد، بلکه قائل به تبدیل و تحويل در آن نیز نیست: «فَلَنْ تجد لِسَنَ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تجَد لِسَنَ اللَّهِ تَحْوِيلًا» [فاطر/٤٣: ١٣٦٩].

نیز در سوره‌ی احزاب آیه‌ی ۳۸ بیان می‌دارد: «سنت الهی در میان آنان که در گذشتند همین است و فرمان خدا همگی نافذ و حتمی خواهد بود.» از ویژگی‌های سنن تاریخی همین بس که «خدایی» هستند و

نگرش قرآن به گذشته‌ی انسان که در قالب قصص مطرح شده است، نگرش تاریخی - تمدنی است. قرآن با بیان نکات تاریخی، ترغیب به مطالعه و تفحص در تاریخ، و توصیه به سیر و سیاحت مراکز تمدنی می‌خواهد به انسان دید انتقادی و پرسشگری بدهد تا از نتایجی که در سایه‌ی تفکر و تعمق به دست می‌آورد و با کشف قوانین و سنن تاریخی، در جهت اصلاح امور خود و جامعه‌اش بکوشد.

علل پرداختن به زندگی گذشتگان (تاریخ) در قالب قصه از زبان قرآن

قرآن از تاریخ به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف تربیتی و معنوی خود، آن هم به شکل قصه سود برده است که گاه با جمله‌های کوتاه، دنیابی از معانی را عرضه می‌کند. در برخی از آیات نیز به وضوح سخن از هدف بیان قصه‌ها آمده است:

● «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِ عِبْرَةٌ لِأُولَئِكَ الْأَلَبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يَفْتَرِي وَ لَكِنْ تَصْدِيقَ الذِّي بَيْنَ يَدِيهِ وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هَدِيَ وَ رَحْمَهُ لِقَوْمٍ يَوْمَنُونَ» [يوسف/١١١]: همانا در حکایت آنان برای صاحبان عقل عبرت کامل خواهد بود. این قرآن نه سخنی است که فراتوان یافت، لیکن کتب آسمانی پیش از خود را هم تصدیق کرده و هر چیزی را که راجع به سعادت دنیا و آخرت است، مفصل بیان می‌کند و برای اهل ایمان هدایت و سعادت و رحمت خواهد بود.

● «فَاقْصُصُ الْقَصَصَ لِعِلْمِهِمْ يَتَفَكَّرُونَ» [اعراف/١٧٦].  
● «وَ كَلَّا نَفْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرِّسْلِ مَا نَثَبَتْ بِهِ فَوَادِكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَهُ وَ ذَكْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ» [هود/١٢٠]: این همه اخبار پیامبران را بر تو حکایت می‌کنیم تا قبلت را بر آن استوار سازیم و در آن حق و موعظه و تذکر برای مؤمنان به سوی تو آمده است.

● «هَدِيٌ وَ رَحْمَهُ وَ بَشَرِي لِلْمُسْلِمِينَ» [نحل/٨٩].  
● «أَوْلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» [روم/٨].

● «وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» [آل عمران/١٩١].

● «لِتَجْزِي كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُنَّ لَا يَظْلَمُونَ» [جاثیه/٢٢].

● «فَإِذَا قَهَّ اللَّهُ لِبَاسَ الْجَوْعَ وَ الْخَرْفَ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» [نحل/١١٢].

● «فَإِلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» [غافر/٨٢ و فاطر/٤٤].

● «قَلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الْمُكَذِّبِينَ» [انعام/١١ و نحل/٣٧].

می سازیم و یا گرفتار عذابی شدید می کنیم. این مطلبی است که در کتاب نوشته شده است.

• «اولم ينظروا في ملکوت السموات والارض... ان يكون قد اقرب اجلهم فبأي حديث بعده يؤمنون» [اعراف/١٨٥]: آیا در حقیقت آسمانها و زمین و هرچه که خدا آفریده، ننگریسته اند؟... شاید اجل موعدشان نزدیک شده باشد. پس به چه سخنی غیر از این ایمان می آورند؟

مرگ و زندگی، و شکست و پیروزی جوامع و تمدن‌ها یکی از سنت‌های مهم و تغییرناپذیر است. طبق این سنت، پیروزی و موفقیت در میان اقوام و ملل گوناگون دست به دست می‌گردد و هر زمانی نوبت به گروهی می‌رسد. قرآن از این مطلب به عنوان «تلک الايام نداولها بين الناس» یاد می‌کند و برای آن فواید و نتایجی ذکر می‌کند که می‌توانند بسیار سودمند باشند

• سنت نشوید و غمگین نباشید که شما برترید، اگر ایمان داشته باشید. اگر شما را جراحتی رسید، به آن جمعیت نیز جراحتی مانند آن رسیده است. و ما این روزها (شکست و پیروزی) را در میان مردم می‌گردانیم تا خداوند افراد با ایمان را مشخص کند و از میان شما گواهانی برگیرد و خداوند ستمنگران را دوست نمی‌دارد و تا خداوند افراد با ایمان را خالص گرداند (کافران را به تدریج نابود می‌سازد) [آل عمران/١٤١-١٣٩].

این آیه به وضوح علی سنت «نداوله» را بیان می‌کند که با این امر، خداوند می‌خواهد اهل ایمان شناخته شوند و گواهان و شاهدانی که اندیشه و عمل ایشان هنگام شداید و سختی‌ها می‌تواند الگویی برای دیگران باشد، مشخص گردد. هم‌چنین می‌توان خالص کردن افراد با ایمان در سختی‌های شکست‌ها و ناکامی‌ها و نابودسازی تدریجی کافران را از دیگر نتایج این سنت الهی دانست. بی‌شک مرگ و نابودی جوامع از دیدگاه قرآن به دنبال فراهم شدن علل و عواملی و با انگیزه‌هایی معین رخ می‌دهد که شناخت آن‌ها برای ما به خصوص در عصر حاضر ضروری می‌نماید. یکی از این عوامل ظلم و فساد در جامعه و سکوت در برابر آن است.

تاریخ به ما آموخته است که ظلم و فساد عامل مهمی در رکود و نابودی تمدن‌ها بوده است؛ بهویژه اگر حاکمان و رهبران به آن آلوده شوند و مردم در برابر آن مهر خاموشی بر لب زند. در این صورت به طور قطعی، آن جامعه راه زوال را خواهد پیمود:

• «و كم قصمنا من قريه كانت ظالمه و انشانا بعدها قوماً آخرین» [انبیاء/١١]: چه بسیار مردم مقتدری در شهرها و دیارها بودند که ما به جرم ظلم و ستمکاری، آن‌ها را در هم شکسته و هلاک ساختیم و قومی دیگر به جای آن‌ها آفریدیم.

• آن‌ها (عاد و ثمود و فرعون) کسانی بودند که در شهرها طغیان

از اراده و تصمیم او نشست می‌گیرند. خداوند از رهگذر همین سنت‌ها و قوانین، قدرت، حکمت و تدبیر خود را در جهان هستی اعمال می‌کند. در این نوشته به اختصار به برخی از سنن تاریخی قرآن اشاره شده است.

(الف) گردشگری مقدمه‌ی کشف قوانین حاکم بر تاریخ از ویژگی‌های باز قرآن توصیه به امر گردشگری و ترغیب به مطالعه و اندیشیدن درباره‌ی حوادث و رخدادهای تاریخی است که نتیجه‌ی آن نگاه نقادانه به زندگی گذشتگان، و شناخت قوانین و سنت‌هایی است که بر تاریخ حاکمیت دارند:

• پیش از شما آیین‌ها و سنت‌هایی بوده‌اند. پس روی زمین بگردید و بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است [آل عمران/١٣٧].

• چه بسیار شهر و دیاری که ما اهلش را در آن حال که به ظلم و ستم مشغول بودند، به خاک هلاک کشاندیم. اینک آن شهرها از بنیاد ویران شده‌اند. چه چاهه‌ها و قنات‌های آب که معطل ماندند و چه قصرهای عالی که بی‌صاحب شدند. آیا کافران روی زمین به سیر نمی‌روند تا دل‌هایشان بینش و هوش یابد یا گوش‌هایشان به حقیقت شناور شود؟ چه دیدگان کور نمی‌شوند، ولی دل‌هایی که درون سینه‌ها هستند، کور می‌شوند [حج/٤٥-٤٦].

• چه بسا اقوامی پیش از اینان و پرصلابت‌تر از ایشان که نابودشان کردیم. پس در شهرها کاوش کردند که آیا راه نجات هست. به راستی که در این امر یادآوری وجود دارد، برای هر کس که صاحبدل است یا گوش فرا داشته و شاهد باشد [ق/٣٦-٣٧]. این همه اصرار و تأکید قرآن بر مطالعه‌ی تاریخ بدون شک به خاطر آن است که انسان را از سستی و غفلت به در آورد و چشمان او را بر قوانین حتمی و قطعی تاریخ بگشاید تا مغلوب و محکوم آن‌ها نشود.

### ب) مرگ و زندگی جوامع «سنت ندواله»

قرآن کریم در آیات متعددی خاطرنشان می‌سازد، برای هر امتی دوران مشخصی وجود دارد که چون آن دوران به سر رسد، آن جامعه از بین می‌رود:

• «و ما اهلکنا من قریه الاولها كتاب معلوم ما تسبق من امه اجلها و ما يستأخرون» [حجر/٥]: و ما هیچ آبادی را نابود نکردیم، مگر این که برای آن برنامه‌ای معلوم بود. وقت معین هیچ امتی جلو نمی‌افتد و نمی‌توانند آن را به تأخیر بیندازند.

• «لكل امه اجل فإذا جاء اجلهم لا يستأخرن ساعه و لا يستقدمون» [اعراف/٣٤-٣٥ویومن/١٩].

• «و ان من قریه الا و نحن مهلکوها قبل يوم القيمة او معدبوها عذاب شدیداً كان ذلك في كتاب مسطورة» [اسراء/٥٨]: هیچ آبادی نیست مگر این که ما آن را پیش از روز قیامت نابود

می سازیم و یا گرفتار عذابی شدید می کنیم. این مطلبی است که در کتاب نوشته شده است.

• «اولم ینظروا فی ملکوت السموات والارض... ان یکون قد اقرب اجلهم فبأی حدیث بعده یؤمّون» [اعراف/۱۸۵]: آیا در حقیقت آسمانها و زمین و هرچه که خدا آفریده، ننگریسته‌اند؟... شاید اجل موعدشان نزدیک شده باشد. پس به چه سخنی غیر از این ایمان می آورند؟

مرگ و زندگی، و شکست و پیروزی جوامع و تمدن‌ها یکی از سنت‌های مهم و تغییرناپذیر است. طبق این سنت، پیروزی و موفقیت در میان اقوام و ملل گوناگون دست به دست می‌گردد و هر زمانی نوبت به گروهی می‌رسد. قرآن از این مطلب به عنوان «تلک الايام نداولها بين الناس» یاد می‌کند و برای آن فواید و نتایجی ذکر می‌کند که می‌توانند بسیار سودمند باشند.

• سنت نشوید و غمگین نباشید که شما برترید، اگر ایمان داشته باشید. اگر شما را جراحتی رسید، به آن جمعیت نیز جراحتی مانند آن رسیده است. و ما این روزها (شکست و پیروزی) را در میان مردم می‌گردانیم تا خداوند افراد با ایمان را مشخص کند و از میان شما گواهانی برگیرد و خداوند ستمگران را دوست نمی‌دارد و تا خداوند افراد با ایمان را خالص گرداند (کافران را به تدریج نابود می‌سازد) [آل عمران/۱۴۱-۱۳۹].

این آیه به وضوح علل سنت «نداوله» را بیان می‌کند که با این امر، خداوند می‌خواهد اهل ایمان شناخته شوند و گواهان و شاهدانی که اندیشه و عمل ایشان هنگام شدید و سختی‌ها می‌تواند الگویی برای دیگران باشد، مشخص گردد. همچنین می‌توان خالص کردن افراد با ایمان در سختی‌های شکست‌ها و ناکامی‌ها و نابودسازی تدریجی کافران را از دیگر نتایج این سنت الهی دانست. بی‌شک مرگ و نابودی جوامع از دیدگاه قرآن به دنبال فراهم شدن علل و عواملی و با انگیزه‌هایی معین رخ می‌دهد که شناخت آن‌ها برای ما بهخصوص در عصر حاضر ضروری می‌نماید. یکی از این عوامل ظلم و فساد در جامعه و سکوت در برابر آن است.

تاریخ به ما آموخته است که ظلم و فساد عامل مهمی در رکود و نابودی تمدن‌ها بوده است؛ بهویژه اگر حاکمان و رهبران به آن آلوه شوند و مردم در برابر آن مهر خاموشی بر لب زنند. در این صورت به طور قطع، آن جامعه راه زوال را خواهد پیمود:

• «و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه و اشانا بعدها قوماً آخرین» [انبیاء/۱۱]: چه بسیار مردم متدری در شهرها و دیارها بودند که ما به جرم ظلم و ستمکاری، آن‌ها را درهم شکسته و هلاک ساختیم و قومی دیگر به جای آن‌ها آفریدیم.

• آن‌ها (عاد و ثمود و فرعون) کسانی بودند که در شهرها طغیان

از اراده و تصمیم او نشست می‌گیرند. خداوند از رهگذر همین سنت‌ها و قوانین، قدرت، حکمت و تدبیر خود را در جهان هستی اعمال می‌کند. در این نوشته به اختصار به برخی از ستن تاریخی قرآن اشاره شده است.

الف) گردشگری مقدمه‌ی کشف قوانین حاکم بر تاریخ از ویژگی‌های بارز قرآن توصیه به امر گردشگری و ترغیب به مطالعه و اندیشیدن درباره‌ی حوادث و رخدادهای تاریخی است که نتیجه‌ی آن نگاه نقادانه به زندگی گذشتگان، و شناخت قوانین و سنت‌هایی است که بر تاریخ حاکمیت دارند:

• پیش از شما آیین‌ها و سنت‌هایی بوده‌اند. پس روی زمین بگردید و بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است [آل عمران/۱۳۷].

• چه بسیار شهر و دیاری که ما اهلش را در آن حال که به ظلم و ستم مشغول بودند، به خاک هلاک کشاندیم. اینک آن شهرها از بنیاد ویران شده‌اند. چه چاهها و قنات‌های آب که معطل ماندند و چه قصرهای عالی که بی‌صاحب شدند. آیا کافران روی زمین به سیر نمی‌روند تا دل‌هایشان بینش و هوش یابد یا گوش‌هایشان به حقیقت شنوا شود؟ چه دیدگان کور نمی‌شوند، ولی دل‌هایی که درون سینه‌ها هستند، کور می‌شوند [حج/۴۵-۴۶].

• چه بسا اقوامی پیش از اینان و پرصلابت‌تر از ایشان که نابودشان کردیم. پس در شهرها کاوش کردند که آیا راه نجات هست. به راستی که در این امر یادآوری وجود دارد، برای هر کس که صاحبدل است یا گوش فرا داشته و شاهد باشد [ق/۳۶۳۷]. این همه اصرار و تأکید قرآن بر مطالعه‌ی تاریخ بدون شک به خاطر آن است که انسان را از سستی و غفلت به در آورد و چشمان او را بر قوانین حتمی و قطعی تاریخ بگشاید تا مغلوب و محکوم آن‌ها نشود.

### ب) مرگ و زندگی جوامع «سنت نداوله»

قرآن کریم در آیات متعددی خاطرنشان می‌سازد، برای هر امتی دوران مشخصی وجود دارد که چون آن دوران به نسر رسد، آن جامعه از بین می‌رود:

• «و ما اهلکنا من قریه الا ولها کتاب معلوم ما تسبیق من امه اجلها و ما یستاخرون» [حجر/۵]: و ما هیچ آبادی را نابود نکردیم، مگر این که برای آن برنامه‌ای معلوم بود. وقت معین هیچ امتی جلو نمی‌افتد و نمی‌تواند آن را به تأخیر بیندازند.

• «لکل امه اجل فاذا جاء اجلهم لا یستاخرون ساعه و لا یستقدمون» [اعراف/۳۴-ویومن/۱۹].

• «و ان من قریه الا و نحن مهلکوها قبل يوم القیامه او مذهبوها عذاب شدیداً کان ذلك فی کتاب مسطوراً» [اسراء/۵۸]: هیچ آبادی نیست مگر این که ما آن را پیش از روز قیامت نابود

در آیات دیگر (اسراء/۷۶-۷۷)، سنت نابودی ملت‌های گذشته بر اثر طرد و نافرمانی از پیامبران الهی را که تعالیم آن‌ها و تعقیب خط فکری ایشان می‌تواند عامل رفع اختلاف و موجی برای وحدت آفرینی، رشد و سعادت باشد، گوشزد می‌کند.

ج) امتحان و ابتلا با اطاعت، عدالت و فزونی نعمت  
 ● آیا مردم پنداشتند، به صرف این که گفتند ما ایمان آوردیم، رهاشان کنند و بر این دعوی امتحانشان نکنند؟ و ما اممی را که پیش از این‌ها بودند، به امتحان و آزمایش آوردیم تا خدا دروغ‌گویان را از راست‌گویان معلوم کند [عنکبوت/۲-۳].  
 این آیه و بسیاری از آیات دیگر، به یکی از سنن مهم الهی، یعنی «سنت امتحان و ابتلا»، اشاره دارد و علت این امر را نیز خود قرآن به روشنی بیان می‌کند: «لیلوکم احسن عملاً»: شما را می‌آزماید تا ببیند عمل کدام یک از شما بهتر است [هود/۷، الملک/۳، کهف/۷].

حال این سؤال مطرح می‌شود که انسان به چه اموری امتحان می‌شود. از مجموع آیاتی که در این موضوع نازل شده که تنها برخی از آن‌ها را در این قسمت می‌اوریم فهمیده می‌شود، انسان به نحوی با همه‌ی اموری که با آن‌ها سروکار دارد و یا از آن‌ها بهره‌مند است [کربلایی پازکی، بی‌تا: ۳۶]، امتحان می‌شود و این هم شامل شداید و ناملایمات و هم شامل نعمات، سلامتی و برخورداری‌ها می‌شود:

نعمت: ما تمامی نعمت‌های روی زمین را زینت آن قرار دادیم تا آن‌ها را بیازماییم که کدامیک نیکوکارترند [کهف/۷].  
**زندگی و مرگ:** خدا زندگی و مرگ را قرار داده است تا شما را بیازماید که کدام کس نیکوکارتر است [الملک/۳].

**تقوا و اطاعت:** اگر مردم احکام تورات و انجیل و دیگر کتبی که برایشان از طرف پروردگارشان فرستاده شده است را به پا دارند، از نعمت‌هایی که بالای سرشان و زیر پاهایشان وجود دارد، بهره‌مند خواهند شد [ماونه/۶۶].

اگر مردم هر دیار ایمان می‌آورند و تقوا پیشه می‌کردن، حتماً برکات آسمان‌ها و زمین را بر رویشان می‌گشودیم. ولی آنان (خدا و پیامبران) را تکذیب کردن و ما آنان را به خاطر عملکرد و دستاوردهای گرفتیم [اعراف/۹۶].

این آیات از وجود رابطه‌ای پایدار در اجرای احکام الهی در صحنه‌ی عمل یا فراوانی خیرات و برکات سخن به میان می‌آورد. و یا به تعبیر امروزی، رابطه‌ی بین عدالت در توزیع و فراوانی تولید را مطرح می‌کند. این منطق قرآن است که اگر در جامعه‌ای عدالت در توزیع حاکم باشد، محصول و نتیجه‌ی مستقیم آن، فراوانی تولید و نعمت خواهد بود [صدر، ۱۰۳: ۱۳۶۹].

کردن و فساد زیادی در آن نمودند. پس پروردگار تو تازیانه‌ی عذاب را بر آنان فرود آورد.

● «و كذلك جعلنا في كل قرية أكابر مجرميها ليمكرها فيها و ما يمكرون الا بأنفسهم و ما يشعرون» [إنعام/۱۲۳]: هم چنین قرار دادیم در هر آبادی سران گنهکارشان را که در آن حیله و نیرنگ کنند و حیله نمی‌کنند مگر بر خودشان و نمی‌فهمند.

قرآن مسئولیت سقوط جوامع و فساد آن‌ها را تنها به حاکمان و رهبران نسبت نمی‌دهد، بلکه توهدهای مردم را نیز در این مسئولیت شریک می‌داند. چرا که با سکوت خود بنیه‌ی حکومت ظلم را تقویت کرده‌اند و تداوم این سکوت، غفلت و بی‌خبری و از یاد بردن ارزش‌های واقعی را در بی‌آورده است. آن‌ها زمانی به خود آمده‌اند که هیچ فرستی برایشان نمانده است: «و قالوا ربنا آنا اطعنا سادتنا و كبراننا فاضلونا سبيلا» [أحزاب/۶۷]: گفتند پروردگارا ما از سران و بزرگان خود پیروی کردیم، پس آنان ما را گمراه کردند.

بر مسئول بودن انسان‌ها در برابر حکومت ظلم، در آیات متعدد دیگری تأکید شده است و حتی آن‌ها را به مهاجرت تشویق می‌کند تا با واقع شدن در محیطی مناسب، به رشد استعدادهای خود بپردازند و مسیر الهی را گم نکنند.

● «ان الذين توفيقهم الملائكة ظالمو انفسهم قالوا فيم كتم قالوا كنا مستضعفين في الأرض قالوا إلم نكن أرض الله واسعة فتهاجرنا فيها» [نساء/۹۸]: کسانی که فرشتگان آنان را در می‌یابند، در حالی که بر خوبیشتن ستم کرده بودند و می‌گویند در چه حالی بودید؟ می‌گویند: ما ضعیف شدگان در زمین بودیم. فرشتگان می‌گویند: آیا زمین خدا وسعت نداشت که در آن مهاجرت کنید؟

البته خداوند رحمان حساب افرادی را که با فساد و کمزی‌ها مبارزه می‌کنند و در این راه جان می‌یابند، از کسانی که در برابر ظلم سکوت می‌کنند، جدا می‌سازد و اجر و مزد آن‌ها را محفوظ می‌دارد:

● پس هنگامی که فراموش کردن آن‌چه را که به آن‌ها تذکر داده شده بود، ما آن گروه را که از بدی نهی کرده بودند، نجات دادیم و ستمگران را با عذابی سخت مؤاخذه کردیم؛ بدان جهت که آن‌ها نافرمانی کردن [اعراف/۱۶۵].

● خدا هیچ قومی و هیچ اهل دیاری را در صورتی که مصلح و نیکوکار باشند، به ظلم هلاک نکند [هود/۱۱۷].

● آگاه باشید که در دل دوستان خدا، هرگز هیچ ترسی و هیچ حسرت و اندوهی نیست. به حقیقت آن‌ها اهل ایمان و خدا ترسند. آن‌ها را از خدا پیوسته بشارت است، هم در حیات دنیا و هم در آخرت به نعمت‌های بهشت. سخنان خدا را تبدیل و تغییری نیست که این پیروزی بزرگ است [يونس/۶۴-۶۲].

برای جامعه مصرف گرایی ما به صدا درآورد:

- «و ضرب الله مثلًا قریه کانت آمنه مطمئنه...» [نحل/۱۱۲]: خداوند مثل می زند آبادی ای را که آسوده و آرام بود و روزی آن به فراوانی از هر طرف می رسید، اما به نعمت‌های خدا کفر ورزید. پس خداوند به خاطر کارهایی که انجام داد، تلخی گرسنگی و ترس را به آن چشانید.

- و كذلك نجزی مِنْ أَسْرَفَ... [طه/۱۲۷]: و چنین مجازات می کنیم کسی را که اسراف کرد و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد.

- «و اذا اردنا ان نهلك قریه امرنا مترفها ففسقوا فيها فحق عليها القول فدمونها تدمیرا» [اسراء/۱۶ و ۷ و انعام/۴۴]: هنگامی که می خواهیم یک آبادی را هلاک کنیم، به متنعمن آن شهر امر می کنیم. پس آنان در آن آبادی فسق می کنند. آن جا تنبیه و عقاب لزوم خواهد یافت و آنها همه را به جرم بدکاری هلاک می سازیم.

در آیه ۷ سوره‌ی علق، قرآن به عنوان نکته‌ای هشدار دهنده می فرماید: «ان الانسان ليطغى ان راه استغنى»؛ البته انسان طفیان می کند، وقتی که خود را بی نیاز می بینند. راه حل و درمان طفیان انسان در برابر برخوردها را، ایمان قلبی به خدا می داند و توصیه می کند: «بخورید از پاکیزه‌هایی که روزی تان دادیم و در آن طفیان نکنید که غصب من بر شما فرود می آید. و هر کس غصب من بر او فرود آمد، هلاک شد» [طه/۸۱].

بخورید و بیاشامید از رزق خداوند و در زمین کوشش در فساد نکنید. تمام این آیات از رابطه‌ای معین، میان نابودی جامعه با ظلم و فساد و تجمل گرایی حکایت می کنند که رابطه‌ای فراگیر در طول تاریخ و سنتی از سنن و قوانین تاریخ را تشکیل می دهد.

## ه) نابودی جوامع با اختلاف و تفرقه، رشد آنان با ایمان و اتحاد

و حدت رکن مهم پایداری و پویایی جامعه است و هرچه وحدت بر اساس بنیان‌های محکم و اصولی حاصل شود، آن جامعه در به خدمت گرفتن نیروهای توانمند و امکانات موجود و جهت‌دهی به آنان موفق‌تر خواهد بود و راه تعالی را در عرصه‌های مادی و معنوی با موقفيت بیشتری طی می کند. قرآن با توجه دادن مسلمان به این حقیقت، ضمن فراخوانی آن‌ها به وحدت و یگانگی، آن‌ها را به شدت از اختلاف و تفرقه نهی می کند و آن را عامل مهم در از هم پاشیدگی جامعه و به هدر رفتن استعدادها و توانایی‌های آن‌ها می داند.

- «اطبعوا... و رسوله ولا تنازعوا فتشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا آن ایه مع الصابرین» [انفال/۶]: از خدا و پیامبرش

گناه، فساد و بلا: نزد ما مسلمانان و نیز بسیاری از ادیان و مذاهب، بدبدها و حوادث جهان معنادار هستند یا به عنوان امتحان و آزمایش و یا به عنوان نتیجه‌ی اعمال و گناهان و یا سنجیدن درجه‌ی ایمان و استقامت ماست. برخی از بلایا و مصایب ناشی از گناه، نه تنها دامن شخص را می گیرند، بلکه کل جامعه‌ای را که نسبت به گناه گناهکاران بی تفاوت باشد، به بلا دچار می سازند: «لتقاو فتنه لا تصبن الذين ظلموا منكم خاصه و اعلموا ان الله شديد العقاب» [انفال/۲۵].

علامه طباطبایی ذیل این آیه می آورد: «فتنه‌ی مذکور در آیه هرجند مختص به ظالمان و گناهکاران است، اما آثار آن، همه‌ی امت را فرا می گیرد» [طباطبایی، ۱۳۳۷، ج: ۹، پ: ۵۱]. این نکته را باید اضافه کرد که قاعده‌ی «نزول بلا یا بازتاب گناه» حالت کلیت ندارد و برای همه‌ی اشخاص و در همه‌ی موارد قبل انتطبق نیست. چرا که امام علی (ع) می فرماید: «بلا برای ظالمان ادب است، برای مؤمنان امتحان و برای انبیا درجه و برای اولیاء‌الله کرامت». [مجلسی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۶، ۲۲۵].

هر که در این بزم مقرب‌تر است

جام بلا بیشترش می دهدند

ولی همه‌ی این‌ها می تواند وسیله‌ای برای امتحان ما باشد.

**اموال و اولاد:** بدانید که اموال و اولاد وسیله‌ی امتحان شما هستند [انفال/۲۸].

**ترس، گرسنگی و نقص اموال:** «ولبليوكم بشيء من الخوف والجوع و نقص من الاموال و الانفس والثمرات وبشر الصابرين» [بقره/۱۵۵].

**خبر و شر:** «تبليوكم بالخير والشر فتنه» [انبیاء/۲۵].

**صبر:** البته ما شما را در مقام امتحان می آوریم تا آن که در راه خدا مجاهده و کوشش دارد و بر رنج آن صبر می کند، مقامش را معلوم سازیم [محمد/۳۱].

## د) تجمل گرایی، مصرف‌زدگی و کفران نعمت

به تجربه‌ی تاریخ، یکی از آفت‌های بزرگ و خطروناک تمدن‌های بشری، تقسیم جوامع به دو طبقه‌ی ثروتمند و اشرافی و طبقه‌ی محروم است؛ مخصوصاً اگر طبقه‌ی اول به غفلت و سستی روی آورد، به بی دردی و بی تفاوتی در مقابل جامعه نیازمند خود مبتلا شود، و تهایت سعی و تلاش خود را به کار گیرد که چگونه ثروتش را در راه کامجویی شخصی خود به کار برد. اساساً مال و ثروت می تواند انسان‌های غافل از یاد خدا و بی اعتماد به ارزش‌های معنوی را به سرکشی و فساد بکشاند و به بیماری جدی برای جامعه تبدیل شود؛ به طوری که آن را به سمت ضعف و ناتوانی سوق دهد. این مهم در قالب آیات بسیار به عنوان نکته‌ی تربیتی و عبرت‌آموز بیان شده است که می تواند زنگ خطر را

زیر پا گذاشتن ارزش‌های معنوی، غفلت از یاد خدا، روی آوردن به گناه و پشت پاشت پا زدن به تعالیم هدایت گران‌های الهی، هلاکت نهایی آن ملت را در بی خواهد داشت. به علاوه، عدم استفاده‌ی بهینه از امکانات و توانایی‌های جامعه، رواج تعیض و بی عدالتی، شایعه پراکنی و دروغ، تفرقه و نفاق، یأس و نومیدی، ندادن حق مستضعفان، نداشتن توجه شایسته به مقام علم و علماء، غرور و تکبر و کفران نعمات الهی، به تصریح قرآن قطعاً سبب فنا و نابودی خواهد شد.

بنابراین قرآن کریم تاریخ رانه برای تفتن و سرگرمی، بلکه به عنوان الگویی صحیح و واقعی، برای حرکت انسان عصر حاضر به سوی آینده‌ای درختان و بهتر مطرح می‌کند. همچنین از این طریق، قوانین و سنت‌های تغییرناپذیر الهی را که بر کل جهان هستی و در طول زمان‌ها حاکم هستند، گوشتزد می‌کند تا انسان راه‌های پیروزی و رسیدن به زندگی سعادتمند و خداپسند را بیابد و از مسائلی چون ظلم، تعیض، فساد، مصرف‌گرایی، تجمل زدگی، گناه، دروغ، شایعه و... که طبق سنت الهی موجب سستی و تباہی خواهند بود، بپرهیزد.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. در قرآن بیش از ۲۶۰ داستان وجود دارد که بیان‌گر تأکید خداوند بر هدایت انسان با مؤثرترین ابزار است.

۲. از آیات مذکور تنها تعداد محدودی در این موضوع هستند.

۳. امام صادق(ع) می‌فرماید: خداوند دو ملک را مأمور ویرانی و نابودی اهل آن کرد. وقتی به آن جا رسیدند، مردی را مشاهده کردند که به درگاه الهی دعا و تضرع می‌کرد یکی از فرشتگان در این مورد از خداوند سوال کرد و حق تعالی فرمود: مأموریت خود را انجام بد، زیرا این مرد برای یک بار هم در مقابل گناه گنهکاران آن آبادی برای رضای من خشمگین نشد [وسایل الشیعه، ج ۱۱، ب ۶، حدیث ۲].

#### منابع

۱. جعفری، یعقوب، بینش تاریخی قرآن. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران. ۱۳۶۶.

۲. صدر، سید محمدباقر، سنت‌های اجتماعی و فلسفی تاریخ در مکتب قرآن. ترجمه‌ی حسین منوچهری. رجاء. تهران. ۱۳۶۹.

۳. طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان (ج ۹). دارالعلم. قم. ۱۳۷۷.

۴. کربلاجی پازکی، علی. «فلسفه و ابتلا و امتحان الهی در آیات و روایات». گلستان قرآن. سال سوم. شماره‌ی ۵۵

۵. مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار (ج ۶). مؤسسه الوفاء. ۱۴۰۳ هـ.

اطاعت کنید و با یکدیگر ستیز نکنید که از هم می‌پاشید و نیروی شما از بین می‌رود.

● «اعتصموا بحبل ا... جمیعاً لا تفرقوا» [آل عمران/۱۰۳]: مانند کسانی نباشد که متفرق شدند و پس از آن که برایشان نشانه‌هایی آمد، اختلاف کردند و برای آن‌ها عذابی بزرگ است [آل عمران/۱۰۵].

● از مشرکان نباشد، از آن‌هایی که دین خود را دچار تفرقه ساختند و به گروه‌های متفاوتی تقسیم شدند و هر چیزی به آن‌چه که نزد آن است، شادمان است [روم/۳۲].

پیدایش و سپس نابودی تمدن‌ها در طول تاریخ که بر اساس سنت‌های الهی بوده است، این نکته را به عنوان تجربه‌ی ارزشمند به ما می‌آموزد که ایمان به خدا و ارزش‌های اسلامی در شکل‌گیری جوامع سعادتمند و حرکت آفرینی نیروهای مؤمن به سوی حکومتی بر اساس حق و عدل، نقش حیاتی و تعیین‌کننده داشته است. جوامعی که بر اساس ایمان و تعالیم پیامبران استوار شده‌اند، همواره سعادت را به معنای واقعی درک کرده‌اند و در بدترین شرایط احساس خوشبختی کرده‌اند. قرآن این موضوع را به عنوان یکی از سنن الهی و قوانین حاکم بر تاریخ مطرح می‌کند که پیروزی و سعادت، آرامش و امنیت واقعی مخصوص جوامع مؤمن است: «ان لتنصر رسلانا والذین آمنوا في الحياة الدنيا و يوم يقوم الاشهاد» [مؤمن/۵۱]: ما همواره پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، یاری می‌کنیم؛ هم در زندگی دنیا و هم روزی که گواهان برخیزند.

#### نتیجه

مطالعه‌ی تاریخ و سرگذشت تمدن‌های گذشته و دقت در آیات فوق مارایه این نتیجه می‌رساند که بین رشد و زوال تمدن‌ها، و سعادت و شقاوت آن‌ها با پای‌بندی به قوانین و سنن الهی که بر کل تاریخ حاکمیت دارد، پیوند و ارتباط مستقیم وجود دارد. لذا لردم تأمل و تدبیر در آیات تاریخی قرآن مشخص‌تر می‌شود. بر کل جوامع بشری از ابتدای تا کنون، سنن و قوانینی حاکمیت دارند که منشأ خود را از اراده‌ی الهی می‌گیرند و محركی برای حرکت تاریخ هستند. قرآن هرگونه تغییر و تحولی در جوامع بشری را به سنت‌های خدایی نسبت می‌دهد و هیچ‌گونه تحولی در خارج این سنت‌ها اتفاق نمی‌افتد. و نیز خاطرنشان می‌سازد، سنت‌های الهی تغییرناپذیر و تخلیفناپذیرند و بر کل تاریخ بشر در گذشته، حال و آینده حاکمیت دارند.

سنت‌های الهی یک سلسه فضایی شرطی هستند. مثلاً وجود ظلم و فساد، رفاه زندگی و تجمل‌گرایی در یک جامعه، بعویزه در میان دولت مردان، زمینه‌های سقوط آن را فراهم می‌کنند. یا